

انتخابات تحریم فعال باید گردد!

این روزها بازار تبادل نظر و بحث در مورد انتخابات دهمین ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، میان جناح های هیئت حاکم بسیار گرم شده است. جناح اصلاح گرا که هنوز در سردرگمی و بی برنامه‌گی بسر می برد، با انصراف خاتمی از مسابقه انتخاباتی، دو کاندید از خود معرفی کرده است: میر حسین موسوی و مهدی کروبی. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت ایران اسلامی که دو تشکل اصلی جبهه اصلاح طلبان در ایران محسوب می شوند، حمایت خود را از نامزدی میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری این کشور رسماً اعلام کردند. مهدی کروبی، رئیس دوره ششم مجلس شورای اسلامی و دبیرکل حزب اعتماد ملی نیز تصمیم خود را برای نامزدی در انتخابات اعلام کرده و تا کنون توانسته حمایت برخی چهره های مشهور اصلاح طلب ایران را جلب کند.

از جمله محمد علی ابطحی، معاون پیشین محمد خاتمی و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، به عنوان مشاور فرهنگی ستاد انتخاباتی آقای کروبی به حامیان او پیوسته است.

بخش «اصول گرا» ظاهراً به احمدی نژاد بسنده کرده است، سخنگویان «جبهه پیروان خط امام و رهبری» که گروه های اصلی جناح اصولگرا را نمایندگی می کند، از معرفی قریب الوقوع نامزد نهایی خود خبر می دهند که به گفته محسن کوهکن، نایب رئیس دوم این جبهه، به احتمال زیاد محمود احمدی نژاد خواهد بود.

روزنامه های فرمایشی دولت سرمایه داری نیز قصد دارند در چند ماه آینده این بازار را گرم نگهداشته و توجه ی توده های وسیع مردم ایران را از مشکلات اساسی و وخامت وضعیت اقتصادی منحرف کرده و بار دیگر مضحکه انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری را به مردم تحمیل کنند.

اما با وجود اختلافات ظاهری بین دو جناح هیئت حاکم در اساس اختلافی میان آنها در استثمار و سرکوب مردم ایران وجود ندارد. آقای موسوی روز جمعه ۱۴ فروردین ۱۳۸۸ در دیدار مسئولان استانی ستادهای انتخاباتی خود، به طور کم سابقه از عملکرد دولت نهم انتقاد کرد و خود را «اصلاح طلبی» نامید که «اصول» را گم نمی کند! و دائم به آن بر می گردد. چنانچه این شعار محوری آقای موسوی باشد و اگر او انتخاب گردد، بدیهی است که همان روش پیشین با کمی تغییرات ظاهری در سیاست ها اعمال می گردد. انتقادات آقای موسوی از احمدی نژاد به این مسایل محدود می گردد که: «مشکلاتی در کشور داریم که اگر بعضی از آنها ادامه یابد، خطر زاست». آقای موسوی «بی اعتنائی به قانون» را مهم ترین مشکل فعلی ایران دانست و گفت اگر بی اعتبار شدن قوانین مجلس و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام به رویه تبدیل شود «هر نوع اتفافی» ممکن است در کشور رخ دهد. وی مشخصاً به اختلافات اخیر دولت و دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: «بالاخره مجلس الزامی کرده است که اجرا نمی شود و پاسخ درستی هم داده نمی شود». سؤال این است که چنانچه این مسایل جنبی بر طرف شود آیا اکثر مسایل کارگران و زحمتکشان حل می گردند؟ واضح است غیر از «اصلاح طلبان» کسی را نمی توان در جامعه یافت که چنین استدلالی را بپذیرد.

دو عنصر اساسی پیوند خورده به یکدیگر در وضعیت کنونی، انتخابات ریاست جمهوری، به انتخاباتی که کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و ملیت تحت ستم باید در آن شرکت کنند بی ارتباط می سازد. اولی وضعیت وخیم اقتصادی است و دومی سرکوب های بی رویه جنبش های اجتماعی است.

اول، اوضاع اقتصادی. وضعیت اقتصادی ی وخیم، ناشی از ندانم ها را دولت احمدی نژاد همراه با حیف و میل کردن منابع مالی؛ عمیق تر از پیش شده است. برای نمونه دیوان محاسبات که بر اساس قانون اساسی «حکومت اسلامی»، موظف است بر دخل و خرج دولت نظارت کند و حاصل کار خود را نیز به مجلس گزارش دهد، چندی پیش از تخلفات گسترده دولت نهم در سال ۱۳۸۵ خبر داده و در گزارش خود یک نمونه از این تخلفات که واکنش های گسترده ای را نیز در پی داشت، اعلام کرد که سرنوشت بیش از هزار میلیارد تومان از درآمد نفتی کشور مشخص نیست و این رقم به خزانه واریز نشده است. این نهاد نظارتی، در گزارش خود درباره چگونگی اجرای قانون بودجه سال ۱۳۸۶ نیز که در هفته جاری از تریبون مجلس خوانده شده بود، بیش از ۱۴۰۰ مورد تخلف دولت از قانون بودجه آن سال، خبر داده و تاکید کرده که دولت نهم از اجرای صحیح قانون بودجه، ۵۴ درصد انحراف داشته است. در گزارش دیوان محاسبات، هم چنین تصریح شده که در سال ۸۶ نیز ۲۳۰۰ میلیارد تومان (۲۳ هزار میلیارد ریال) از درآمد گازی کشور به سرنوشت همان هزار میلیارد تومان سال ۸۵ دچار شده و مشخص نیست که به کجا رفته است؟

در گزارش مرکز پژوهش های مجلس نیز با اشاره به انحراف ۱۰۹ میلیارد دلاری از برنامه چهارم توسعه کشور (۸۸-۱۳۸۴)، آمده است: مجموع استفاده از درآمد نفت خام، ۱۰۹ میلیارد دلار انحراف دارد یعنی بیش از مقدار پیش بینی شده در برنامه بوده است. این گزارش در ادامه با اشاره به این که «گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۵ که از سوی دیوان محاسبات عرضه شد، حاکی از ۶/۴ تریلیون تومان تخلف بودجه ای دولت، واریز نشدن ۱/۰۵۰ میلیارد دلار درآمد به

خزانه و دو هزار مورد انحراف از بودجه سال ۸۵ بوده است»، می افزاید: در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۶، اعلام شده که در ۱۷۰ مورد از ۳۱۲ بند و تبصره قانون بودجه ۸۶ (یعنی ۵۴ درصد بندها یا اجزای تبصره ها) تخلف صورت گرفته است. در سال ۸۶، شرکت های دولتی، بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت بیش تر از ۲/۵ برابر بودجه مصوب خرج کرده اند.

دوم؛ اوضاع جنبش های اجتماعی. واقعیت این است که کارگران ایران در مورد بحران و تعطیلی سازی صنایع و عدم پرداخت به موقع دستمزد ناچیز شان و بی کارسازی های وسیع به شکل مستمر آگاه و واقف شده اند. همچنین اعتراض کارگران در مقابل این همه بی حقوقی، بی رحمانه سرکوب می شود و فعالین کارگری دستگیر و زندانی می شوند؛ و میلیون ها نفر به ویژه نیروی جوان در کشور بی کارند و کم ترین امیدی نیز به آینده خود در پیدا کردن کار مناسب و تشکیل زندگی مستقل ندارند؛ سؤال این است که چرا باید کارگران شاغل و بی کار و جوانان در چنین انتخاباتی شرکت کنند؟ این انتخابات جناح های مختلف یک دولت سرمایه داری است. هیچ گرایش مخالفی قادر به شرکت در این انتخابات نیست!

در ایران بخش عظیمی از دانشجویان، به عنوان بخش آگاه جامعه نه تنها هیچ نفعی در شرکت در چنین انتخاباتی ندارند، بلکه در این سی سال حاکمیت نظام سرمایه داری، بیش ترین ضربات و آسیب ها را نیز از لحاظ اقتصادی، سیاسی و علمی تحمل کرده اند. انتخابات های این دولت در این سی سال، هیچ دستاوردی برای مردم نداشته است. سیاست های سرکوب پلیسی - امنیتی حکومتی در دانشگاه ها تشدید شده است. برای نمونه دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۸، دانشجویان متحصن دانشگاه بابل، در هنگام ورود به دانشگاه مورد ضرب و شتم حراست دانشگاه قرار گرفتند. نیروهای حراست، دانشجویان را ممنوع ورود اعلام کردند! با چنین رفتاری کدام دانشجو حاضر است این مضحکه انتخاباتی شرکت کند؟ حملات به زنان مبارز ایران نیز در ماههای پیش ابعاد وسیعتری پیدا کرده است.

در نتیجه، این انتخابات متعلق به سرمایه داران است و نه مردم زحمتکش. این انتخابات باید تحریم گردد. اما کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و ملیت تحت ستم حتی در تحریم این انتخابات باید به شکل فعال دخالتر بوده و تمام قشر های جامعه را برای مقابله با سیاست های نادرست دولت، سرکوب و اختناق حاکم، نا بسامانی وضعیت اقتصادی و غیره آگاه سازند.

از این رو قطعنامه پیشنهادی زیر برای دخالتگری در انتخابات ارائه داده می شود.

قطعنامه ی پیشنهادی «گرایش مارکسیست های انقلابی ایران» در مورد انتخابات ریاست جمهوری
به تمام افراد و نیروهای ضد سرمایه داری

۱- ما تمامی توده های تحت استثمار و ستم ایران را برای **تحریم فعال** و گسترده انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری فرا می خوانیم.

۲- برای تحریم فعال؛ پیشنهاد می کنیم که در هر منطقه یکی از کارگران و زحمتکشان در بند به عنوان نامزد طبقه کارگر و سایر توده های زحمتکش و تحت ستم برای احراز پست ریاست جمهوری به شکل سمبولیک و بدون کسب مجوز از دولت اعلام گردند.

۳- پیشنهاد می شود که «برنامه اقدام کارگری» به عنوان بخشی از برنامه عمل این نامزدها اعلام شود.

۴- ضروری است که در صورت اعلام کاندیداتوری چنین افرادی، تمامی گروه ها، سازمان ها و احزاب مدعی منافع طبقه کارگر، از وی حمایت و برنامه پیشنهادی او را تبلیغ کنند.

۵- با توجه به گرایش بخشی از توده های مردم، به خصوص جوانان، دانشجویان و زحمتکشان به عدم شرکت در انتخابات فرمایشی، باید سعی شود که تا حد امکان پیشروها و پیش آهنگ های این جریان را از این طرح نمادین و برنامه پیشنهادی آگاه کرد.

۶- تمامی گرایشهای رادیکال و مخالف با حضور در انتخابات، باید کوشا باشند که توده ها را از بی حاصلی نظریات هر دو جناح "اصولگرا" و "اصلاح طلب" حکومتی آگاه کنند.

۷- سیاست تحریم فعال، فرای اقدامات ممکن و مشخص کنونی، سیاست طرح آلترناتیو کارگران و تمامی توده های تحت استثمار و ستم در عوض «انتخابات» فرمایشی و بی اساس دولت سرمایه داری می باشد. این سیاست صرفاً بر اساس آنچه که امروز ممکن است مطرح نمی شود، بلکه گامی به سوی فراروی از این دولت سرمایه داری در کل، از طریق ارتقاء آگاهی بخش بیشتری از توده ها، می باشد.

بر این اساس پیشنهادها را پیشتر از آنکه می‌کنند:

الف) در جاهای بسیار محدودی که فضا برای دایر کردن تجمع، بحث و تبادل نظر راستین توده‌ها، چه کارگران در کارخانه، چه دانشجویان در دانشگاه، چه اقلیت‌های ملی در مناطق خود باشد، این روش و برنامه به عنوان یک آلترناتیو دموکراسی راستین در عمل در دسترس آنان قرار گیرد.

ب) در جاهایی که به دلایل امنیتی و تکنیکی چنین اقداماتی ممکن نمی‌باشند، سعی کنند که از طریق تماس‌های شخصی و محفلی و پخش شبنامه‌ها، زمینه را برای اقدامات وسیع‌تر در بین محافل دیگر و صفوف فراتری از کارگران و توده‌های تحت استثمار و ستم فراهم کنند.

۸- قطعنامه پیشنهادی در صورت ضروری می‌تواند اصلاح و یا ترمیم گردد. ما آماده ایم که تا پیش از پایان زمان مقتضی بر سر مفاد این برنامه رایزنی صورت گیرد.

امیدواریم این اقدام بتواند کمکی به تغییر توازن قوای طبقاتی کرده که در راه را در آینده برای فعالیت‌های مؤثر تری هموار کند.

شورای دبیری
گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران
۲۱ فروردین ۱۳۸۸